

دیوان

معین الدین فراہی ہروی

بہ اہتمام و تصحیح

سید احمد ہشتی شیرازی

۱۳۹۶



9789643145907

آبشنه

دیوان

معین الدین فراہی ہروی

«سدهٔ نهم»

به تصحیح

سید احمد بہشتی شیرازی



۱۳۹۵

سرشناسه	: فراهی، معین‌الدین بن محمد ۹۰۹-۹ ق.
عنوان قراردادی	: دیوان
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان معین‌الدین فراهی هروی (ملامسکین) / به تصحیح سیداحمد بهشتی شیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۲ ص: نمونه.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۹-۰-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۹ ق.
شناسه افزوده	: بهشتی شیرازی، احمد، ۱۳۲۳ - ، گردآورنده
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ PIR5۷۸۳/۵/۵۹
رده‌بندی دیویی	: ۸۶۱/۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۱۶۰۳۹



دیوان معین‌الدین فراهی هروی (ملامسکین)

تصحیح: سیداحمد بهشتی شیرازی

طرح جلد: سیدپارسا بهشتی شیرازی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

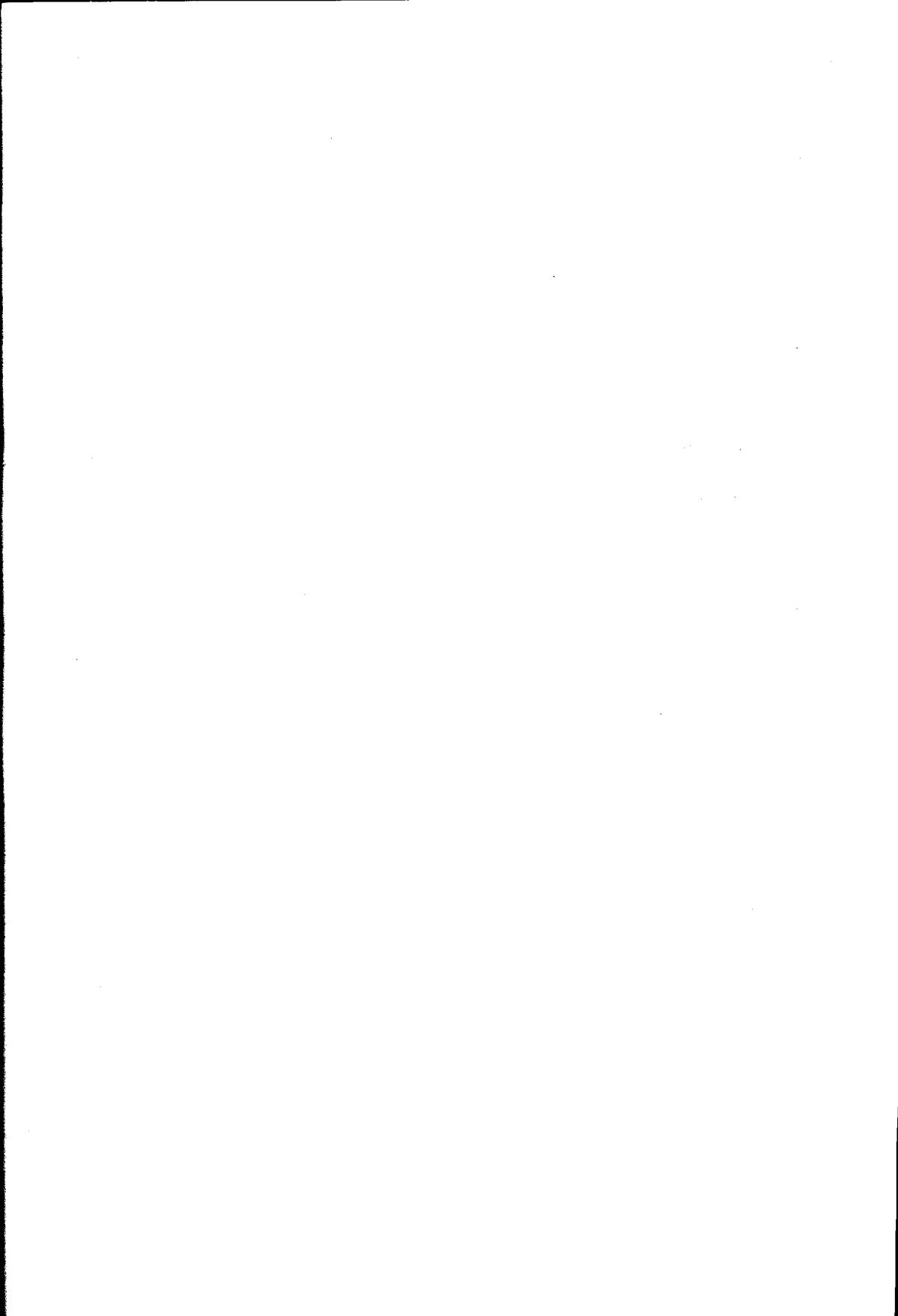
تلفن: ۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۵۳۶۳۱ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۹-۰-۷ ISBN: 978-964-334-590-7

تمام حقوق چاپ، نشر و اجرای این کتاب برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه	هفت
شرح حال معین الدین فراهی	هفده
توحیدیه	۳
غزل	۹
مثنوی	۱۱۷
قطعه	۱۳۴
رباعی	۱۴۳
فهرست نام کسان	۱۵۱
فهرست نام جای ها	۱۵۳
فهرست ترکیبات	۱۵۵
پاره ای شرح و توضیحات	۱۸۹



مقدمه

این دیوان شریف بارها در هند و پاکستان به نام معین الدین چشتی عارف قرن هشتم هجری چاپ شده است در حالی که شیخ معین الدین چشتی اصلاً شعری نگفته است و این دیوان متعلق به معین الدین فراهی هروی معروف به ملامسکین است.^۱ دلیل روشن و واضح برای نسبت دادن این دیوان به ملامسکین همین بس که چندین غزل را عیناً و ده‌ها بیت از ابیات غزلیات دیگر را در اثر کم‌نظیر خود حدائق الحقایق که شرح عارفانه و عاشقانه‌ای است بر سوره یوسف با ذکر آن که اشعار خود اوست آورده است. همچنین در دیگر کتاب‌های خود از جمله کتاب معارج النبوه فی مدارج الفتوة و کتاب قصص حضرت موسی، ابیاتی وجود دارد که آنها نیز از سروده‌های ملامسکین هروی است.

نسخه‌شناسی

از دیوان معین الدین یک نسخه خطی به شماره ۳۹۶۶ نوشته ۱۲۹۳ در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان است که بدان دسترسی نداشتم. ظاهراً همین نسخه است که بارها به نام دیوان معین الدین چشتی چاپ شده است. همچنین به گزارش فهرست نسخه‌های خطی استاد احمد منزوی یک نسخه خطی به نام دیوان معین به شماره ۵۵۹۹ نوشته ۱۰۳۱ در موزه بریتانیا موجود است که ممکن است متعلق به معین الدین فراهی باشد.

با توجه به اینکه این فقیر عقیده دارد که نمی‌توان تا فراهم شدن همه نسخه‌های خطی یک اثر فرهنگی برای چاپ تأمل کرد و دست روی دست گذاشت و از آن محروم ماند، دیوان معین الدین هروی را با مقابله دو نسخه چاپ سنگی هند و یک نسخه چاپ سنگی پاکستان و کتاب حدائق الحقایق تحریر نمودم. اما در سال ۱۳۷۴ هنگامی که تقریباً کار به پایان رسیده بود، دوستی یک نسخه دیگر از دیوان معین الدین چشتی را از هند برایم سوغاتی آورد. این نسخه که بسیار پر غلط به چاپ رسیده است کلاً متفاوت با سه نسخه چاپ سنگی هند و پاکستان است، ولی باز هم ابیات زیادی از غزلیات این نسخه چاپی را

۱ - رباعی زیر را هم که اغلب تذکره‌نویسان به نام حضرت او آورده‌اند، بعید است از او نباشد:

ای بعد نبی بر سر تو تاج نبی وی داد شهان ز صولت باج نبی
آنی تو که معراج تو بالاتر شد یک قامت احمدی ز معراج نبی

در حدائق الحقایق یافتیم که ملامسکین تأکید فرموده از خود اوست. در این صورت با این فرض که این نسخه چاپی، قسمت دیگری از دیوان کامل معین الدین هروی است، همه غزلیات را با مقابله با حدائق الحقایق وارد دیوان او کردم. کوتاه اینکه بعد از آگاهی از نسخه خطی دیوان معین الدین فراهی متعلق به مجلس شورا این مجموعه اشعار بر اساس منابع ذیل فراهم شده است و مشخصات آنها عبارت است از:

(س): دیوان معین الدین فراهی / (با عنوان دیوان معین الدین چشتی) / چاپ سنگی / هند / ۱۲۸۵
(ن): دیوان معین الدین فراهی / (با عنوان دیوان غریب نواز) / به اهتمام مسلم احمد نظامی / دهلی / ۱۹۵۸

(د): دیوان معین الدین فراهی / (با عنوان دیوان غریب نواز) / بی تاریخ / هند

(م): دیوان معین الدین فراهی / نسخه خطی مجلس شورا / بدون تاریخ / به شماره ۱۳۴۴۴

(ب): بیاض خطی / نسخه مصحح

(ج): معارج النبوه فی مدارج الفتوة / معین الدین فراهی / چاپ سنگی / بمبئی / ۱۳۱۹ ه. ق.

(ح): حدائق الحقایق / معین الدین فراهی / به کوشش دکتر سید جعفر سجادی / دانشگاه تهران / ۱۳۴۶

(ق): قصه موسویه / معین الدین فراهی / نسخه خطی کتابخانه گنج بخش پاکستان / کتابت

۱۳۱۲ / به شماره ۲۷۲ / ۲۹۰ / میکروفیلم در دانشگاه تهران

تذکره حسینی / چاپ سنگی / ۱۲۹۲ (که یک رباعی از معین الدین هروی آورده است)

امید است که ارواح پرفتوح شیخ معین الدین فراهی هروی و شیخ معین الدین چشتی برای فراهم آوردن این مجموعه از فقیر راضی باشند و این اشعار نغز مورد عنایت و استفاده ارباب معرفت قرار گیرد.

این دیوان شریف را به یکی از خادمان فرهنگ این مرز و بوم، همشهری شیخ معین الدین، جناب نجیب مایل هروی تقدیم می دارم. از دوست نازنین و ارجمندم دکتر محسن کیانی هم تشکر می کنم که در تدوین این کار مرایاری دادند.

سید احمد بهشتی شیرازی

تابستان ۷۷



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حمد که شکر نعمت بر دهن بود	حمد که هر چه بجز کرم سبک از بود
چند آنکه مستر او کنی پیش از آن بود	چند آنکه در بندای مفاکیت نیاید
بر زین پایه خسته خروده آن بود	حمدی در آن مشابه که او را کند آن
بر منک ملائکه حکمش سحر آن بود	چند آنکه چون غایت کند روان
بر تختگاه ملک قدم استایان بود	حمدی که در هوای سستی بجای آن



بسم الله الرحمن الرحيم

روایت الالف

<p>نواخت نشسته لبان از لال نام خدا بزمین صصال خدا در صصال نام خدا تو در تجلی اسم اکمال نام خدا چه هم نشین تو باشد خیال نام خدا بشرط آنکه ببری بیابان نام خدا فدای اوست بعز وجلال نام خدا</p>	<p>ربود جان و دلم را جمال نام خدا وصال حق طلبی هم نشین نامش با شر میان اسم و سعی چو فرق نیست بزمین یقین بدان که تو با حق شسته شدی و ترا سر و پیران در فضای عالم قدس چون نام او شنوم گوید مرا صد جان معین ز کفتم نامش طولی که کرد</p>
<p>که از خدمت ملاکات لال نام خدا</p>	<p></p>

(س): دیوان معین الدین فراهی / (با عنوان دیوان معین الدین چشتی) / چاپ سنگی / هند /

۱۲۹۸۵۱

کتابخانہ زر عہد اکبر
عربی
کارتہ سہ کابل افغانستان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نواخت تشنه لبان رازلال نام خدا برین وصال خدا در وصال نام خدا تو در تجلی اسماء کمال نام خدا چو ہم نشین تو باشه خیال نام خدا بشرط آنکه پرستی بیال نام خدا فدایه اوست بعز وجلال نام خدا	ر بود جان و دلم را جمال نام خدا وصال حق طلبی ہم نشین نامش باش میان اسم و سبب چو فرق نیست بین یقین بدان که تو با حق تشنه تشنه ترا سز و طیران در فضا نام عالم قدس چو نام او شنوم گر بود مرا صد جان
---	---

معین ز گفتن نامش ملول کے گردد
کز از خداست مہلت طلال نام خدا

ما بسویت مقبل و توروی گردانی ز ما چند خود را هر طرف مشغول گردانی ز ما ما بنی ما نیم از تو گر تو بی مانی ز ما باغ را خندان کنی گر چند گریانی ز ما وقت آن آمد که دیگر روز پریشانی ز ما	ما طلبکار تو ایم تو گر زانی ز ما ما برین ز نشنن جهت ز صد جهت جویان تو ہر کجا خدای شدن با تو ہم ای پیغمبر ملیحو بحر و تو چو ابری بار آکش غم مخور گفتش تلخ در پرده بہان خواهی شدن
--	---

(س): دیوان معین الدین فراہی / (با عنوان دیوان معین الدین چشتی) / لاہور پاکستان /

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ربود جهان و دلم را جمالِ نامِ خدا
نواخت آتشِ لبانِ رازِ لالِ نامِ خدا

وصالِ حقِ طلبی ہمیشینِ نامش باش

بہ بینِ وصالِ خدا اور وصالِ نامِ خدا

میانِ اسمِ و مسمیٰ چو فرقِ نیتِ بہ بین

تو در سجیٰ اسمِ اکمالِ نامِ خدا

یقینِ بدان کہ تو با حقِ نشسته شوی و فر

چو ہم نشینِ تو باشِ خیالِ نامِ خدا

ترا سز و طیرانِ در فضائے عالمِ قدس

بشرطِ آن کہ بہ پرسیِ ببالِ نامِ خدا

چو نامِ او شنوم کہ بود مرا صد جهان

قدائے اوست بعز و جلالِ نامِ خدا

معینِ ز گفتنِ نامش ملول کی گزود

کہ از خداست ملالتِ ملالِ نامِ خدا

اے آفتابِ عرفان پر نور دارِ مَمارا
 ساتی حقیقتِ راسخا کے فسرده باشم
 درخشیم شبِ پرستیاں مستور دارِ مَمارا
 در کشفِ گنجِ مخفی آئینہٴ ظہور ایکم
 زان بادہ کہ داری پرشور دارِ مَمارا
 تورویتو بدیدم خود رانمی شناختم
 از پرتوئے جمالت معمور دارِ مَمارا
 امروز ہرچہ گویم معذور دارِ مَمارا
 در دعویٰ انا لحق منصور دارِ مَمارا
 از تابِ نورِ رویت مشہور دارِ مَمارا
 چون دورِ یاد آید از دور دارِ مَمارا
 بس سے نچلےاں وہ مخمور دارِ مَمارا
 کاندم کہ مست کردیم از مادہٴ نباید
 ذکر ت معین قانی شد اے کریم یکسر
 در بارگاہِ عزت مذکور دارِ مَمارا

عاشق از صاحب ارادتی است	بدر جوان از می اندیشد	بشارت جوهرت کوشش عشق	در سوزن داری اندیشد
ای درویش هر که میخواهد در طواری عشق کند	تو هم دل از خان مانی بری	باید است بعد از آن که	باید است بعد از آن که
مهرت برام عورت مایه افراشت	و برزگان گفته اند که	کوشش کنی	کوشش کنی
مهر من از دستت بماند	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
کمانی مشکوس کند	باز کاش از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
عشق وی بود و از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
از آن شراب جان پر کرد	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
در درد دل کوی و سار نماند	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
در خواب کن از چشم زلفش	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت
باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت	باید که از دستت

(ج): معارج النبوہ فی مدارج الفتنہ / معین الدین فراهی / چاپ سنگی / بمبئی / ۱۳۱۹ هجری قمری

